

روانشناسی اجتماعی اعتراضات سال ۱۴۰۱ و نقش رسانه های خارجی فارسی زبان (با تاکید بر شبکه ایران اینترنشنال) در ایجاد ناآرامی ها در ایران

علیرضا سروستانی^۱، فرزاد نویدی نیا^{۲*}، فریدون اکبرزاده^۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرمشهر، ایران

۲- استادیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، ایران

Farzad.navidi@gmail.com

۳- استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران

چکیده

در جهان معاصر جنبش های اعتراضی و اجتماعی همواره اهمی مهم در دگرگونی های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بوده است. ریشه شکل گیری این اعتراضات را می توان در بحران هایی دید که نارضایتی ژرفی را در میان مردم از نهادهای سیاسی به بار می آورند. با گسترش نویدی از بهبود وضعیت موجود، مردم نارضایتی خود را از دولت ها به شکل های مختلف نشان داده و بدین ترتیب جنبش های اعتراضی و اجتماعی آفریده می شوند. در این میان نقش رسانه ها به عنوان ابزاری فراگیر و قدرتمند در بازنمایی اخبار اعتراضات و ادامه دار شدن آنها کاملاً مشهود است. این تحقیق با هدف پاسخ دادن به این سوال که ماهیت روانشناسی اجتماعی اعتراضات سال ۱۴۰۱ در ایران چه بوده و رسانه های خارجی فارسی زبان (مطالعه مورد شبکه ایران اینتر نشنال) در ایجاد ناآرامی ها چه نقشی ایفا نموده اند، طراحی و اجرا گردید. برای پاسخ به این سوال از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر و نیز از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد اعتراضات به عنوان یک پدیده اجتماعی و روانشناختی، که به طور گسترده ای در میان جوانان و به ویژه زنان مشاهده شد، نشان دهنده نارضایتی عمیق از شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور بود. این ناآرامی ها ریشه در احساس عدم امنیت، تبعیض و نابرابری اجتماعی داشت. در این میان فعالیت و تحریکات رسانه های فارسی زبان خارجی، بخصوص شبکه ایران اینترنشنال، نقش مستقیم و محوری در تشدید نارضایتی ها، کنشگری سیاسی، گسترش ویروس تجمعات، امنیت زدایی ذهنی افکار عمومی، خرابکاری ها، خدشه دار نمودن وجهه نظام و مسئولین و سازمان های امنیتی و نظامی داشت. این شبکه اعتراضات ۱۴۰۱ را اعتراضاتی سراسری، دارای ایدئولوژی و هدفمند بازنمایی نمود.

کلمات کلیدی: روان شناسی اجتماعی، اعتراض، ناآرامی، نظریه محرومیت نسبی

مقدمه

از آغاز هزاره سوم میلادی، جنبش‌های اجتماعی، به‌عنوان نیروهای به‌هم‌پیوسته، پویا و توانا برای وادارکردن حکومت‌ها به ایجاد تغییرات اجتماعی، گسترش چشمگیری پیدا کرده‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاسی بر این باورند که جنبش‌های اجتماعی هم بر سرمایه اجتماعی استوارند و هم به پدیدآیی و افزایش آن کمک می‌کنند و حتی می‌توانند گونه‌های تازه‌ای از سرمایه اجتماعی را بیافرینند.

ناآرامی‌ها یا جنبش‌های اجتماعی یکی از مفاهیم اساسی حوزه مطالعات علوم سیاسی محسوب می‌شود. موضوع یاد شده از اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی واقع شده است. البته در ادبیات این حوزه هنوز توافقی برای اطلاق و تعریف مورد بررسی به تثبیت نرسیده است.

نیل اسملسر با اشاره به تلاش سایر اندیشه‌ورزان این حوزه برای ارائه واژه‌هایی مثل جنبش اجتماعی یا طغیان جمعی و احتمال قرابت این دو واژه، به مفهوم پدیده‌ای که خود، آن را رفتار جمعی می‌نامد، رسیده است.

اسملسر معتقد است رفتار جمعی رفتاری نهادینه شده نیست. بسته به میزان نهادینه شدنش از ماهیت متمایزش کاسته می‌شود. رفتار جمعی رفتاری است چنان شکل یافته که پاسخگوی موقعیت‌های تعریف نشده یا ساخت نیافته باشد (اسملسر، ۱۳۸۰: ۱۳). تد رابرت گر با انتخاب اصطلاح خشونت سیاسی، آن را به عنوان تمامی حملات فراگیری که در درون یک جامعه سیاسی علیه رژیم سیاسی و بازیگران آن شامل گروه‌های رقیب و صاحبان قدرت یا سیاست‌های آن انجام می‌گیرد، تعریف می‌کند (شریفی، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۶).

چون «اعتراض» چهره پیدای حرکت‌آفرین و حیات‌بخش هر جنبش اجتماعی به حساب می‌آید، حکمرانان و سیاست‌گذاران نیازمند آنند که با استمداد از دانشمندان آزاده، سازوکار آن را به‌خوبی بشناسند تا بتوانند از رودهایی که از دامنه‌های ناخرسندی و احساس ستم‌دیدگی جاری شده‌اند و فریاد «شکایت» سر داده‌اند، برای دگرگونی‌های سازنده اجتماعی بهره‌گیرند و با پذیرفتن سخن معترضان بر سرمایه اجتماعی دولت و ملت بیفزایند.

بارون و برنسکامب، روان‌شناسی اجتماعی را به‌صورت حوزه‌ای علمی که در جست‌وجوی درک ماهیت و علل رفتار و افکار فرد در موقعیت‌های اجتماعی است تعریف می‌کنند. بر پایه این تعریف،

روانشناسان اجتماعی به توصیف فرایندهای اساسی این حوزه، یعنی هویت اجتماعی، شناخت، هیجان و انگیزش مشارکت‌کنندگان در جنبش‌های اجتماعی می‌پردازند.

استکلنبرگ و کلاندرمنز می‌نویسند:

شبکه‌های مجازی هر روز اخبار تظاهرات خیابانی و یا اشغال میدان‌ها، در شهرهایی در این سو و آن سوی جهان را توسط معترضان گزارش می‌کنند. پرسش‌های مهم این است: چرا این همه مردم دست به اعتراض می‌زنند؟ چرا حاضر می‌شوند که ثروت، امکانات و آرامش و آسایش خود را از دست بدهند و حتی در مواردی جان خود را فدای یک آرمان مشترک جمعی کنند؟

نظریه‌های کلاسیک چنین مطرح می‌کردند که مردم برای ابراز شکایت‌های خود از محرومیت نسبی، ناکامی یا بی‌عدالتی ادراک‌شده اعتراض می‌کنند. اما مطالعات بعدی نشان داد که صرف شکایت - ابراز و توصیف اندوه و ناخرسندی از مشکلات و نابرابری‌ها - افراد را به کنش‌های اعتراضی پُرهزینه نمی‌کشاند. از این رو، «اثربخشی/کارسازی»، «منابع/فرصت‌ها» را به‌عنوان عناصر پیش‌بینی‌کننده اعتراض بر عنصر شکایت افزودند.

پس از چندی به نقش «هویت جمعی» در رفتار اعتراضی اهمیت داده شد. در سال‌های اخیر نیز، عامل «هیجان» مورد توجه قرار گرفت.

استکلنبرگ و کلاندرمنز عناصر یادشده را در یک چارچوب نظری یکپارچه کردند و عنصر پنجمی با عنوان «درهم‌تنیدگی اجتماعی» را در کنار آن‌ها جای دادند.

روانشناسان اجتماعی برای واکنش‌های شدید و پرخاشگرانه افراد در تجمعات اعتراض‌آمیز تبیین‌های مختلفی ارائه داده‌اند. مثلاً گفته شده است که دلیل عمده شدت یافتن کنش‌های افراد در جمع پدیده‌ای است به نام «تسهیل اجتماعی».

اصل تسهیل اجتماعی اذعان می‌دارد که حضور دیگران موجب تشدید کنش‌های تک‌تک افراد می‌شود (تایلور، پیلاتو و سئارس، 2006).

نظریه تایلور، پیلاتو و سئارس (2006) با نظریه «تقویت» اسکینر هم خوانی کامل دارد؛ چه او نیز تأکید می‌کند رفتاری که به تقویت تحقق هدف منجر شود استمرار می‌یابد؛ اما رفتاری که به تقویت منجر نگردد «خاموش» می‌شود.

در چارچوب همین رویکرد لاتانه نیز مدل «تأثیر اجتماعی» را مطرح ساخته است. به باور او کنش‌های افراد در گروه تشدید می‌شود، لیکن شدت دارد. بدین معنی که با افزایش تعداد اعضای یک گروه (جماعت) معترض واکنش‌های معترضان هر یک از اعضا فزونی می‌یابد. هم چنین میزان پیوند انسجام اعضای گروه و

میزان نیرومندی گروه بر اساس ادراک افراد از گروه بر شدت کنش‌ها می‌افزاید به تعبیر دیگر چنانچه هر یک از افراد احساس کنند که در شرایط بحرانی دیگران از آنان حمایت می‌کنند احساس ایمنی آنان فزونی می‌یابد و در نتیجه تهاجمی‌تر بر مقامات سیاسی و نمایندگان آنان یورش می‌برند. هم چنین اگر ناراضیان معترض احساس کنند که گروه آنقدر قدرت و پتانسیل دارد که مقامات حکومتی را به تسلیم وادارد کنش‌های اعتراضی شدیدتر از خود بروز می‌دهند. گروهی بیشتر می‌تواند افراد را به کنش‌های شدید و تخریبی سوق دهد که واجد ویژگی‌های خاصی باشد. آن‌ها برخی از آن ویژگی‌ها را چنین برمی‌شمارند: (۱) برخورداری از یک رهبر قوی در صحنه اعتراضات جمعی، (۲) توانایی توجیه اخلاقی کنش‌های تخریبی معترضان، (۳) توانایی توجیه عقلایی مواضع خود و (۴) توانایی معرفی خود به عنوان گروه منحصر به فرد ممتاز و تنها نیروی تأثیرگذار بهبود شرایط در دسترس. جک برم نیز از جمله روان‌شناسان اجتماعی است که به تبیین کنش‌های اعتراض‌آمیز پرداخته است. به باور او هرگاه افراد جامعه احساس کنند که آزادی و احساس کنترل آنها سلب شده است، نقشی در اداره امور ندارند و مقامات حکومتی ارزشی برای نظریه‌های آنان قائل نیستند برانگیخته می‌شوند و بر اثر این برانگیختگی و تنش درونی مبادرت به یک سری کنش‌های هیجانی و شدید می‌نمایند تا بار دیگر احساس کنترل و آزادی سلب شده خویش را به دست آورند.

در دوران اخیر شاهد برخی از اعتراضات اجتماعی در ایران بوده‌ایم که به نظر می‌رسد رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نقش مهمی در شکل‌گیری آن‌ها داشته‌اند. این جنبش‌ها اگرچه از نظر منشأ و زمینه سیاسی - اجتماعی با یکدیگر متفاوت‌اند، یک شباهت اساسی هم دارند و آن اشغال فضاهای عمومی با جمعیتی است که از طریق رسانه‌های ارتباطاتی جدید سازمان‌دهی شده‌اند.

بررسی و تحلیل رسانه‌ها در حوادث و رویدادهای متفاوت گویای آن است که رسانه‌ها به منظور هدایت افکار عمومی به دنبال ساخت چه تصویری از پدیده‌ها در ذهن مخاطبان خود هستند. در عصر کنونی روابط بین کشورها با عنوان دیپلماسی عمومی و اختصاصاً در حوزه فناوری‌های ارتباطی با عنوان دیپلماسی رسانه‌ای تعریف می‌شود، رسانه‌ها ابزاری قدرتمند برای نفوذ و تأثیر بر فکر و اندیشه ملت‌ها می‌باشند (Sinha Palit, 2023 : 17). راه‌اندازی رسانه‌های فارسی‌زبان را باید موج جدیدی از جنگ رسانه‌ای نرم علیه ایران دانست گرچه در کوتاه‌مدت با رویکرد سیاسی خواهد بود؛ ولی در بلندمدت عقاید، هویت ایرانی - اسلامی، فرهنگ، قومیت و باورهای مردم را هدف جنگ رسانه‌ای خود قرار می‌دهند. این رسانه‌ها برنامه‌های سیاسی گسترده‌ای را باهدف جریان‌سازی و ایجاد شکاف میان ملت و دولت و تضعیف پایگاه مردمی پخش کردند. نقش‌آفرینی رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور از

مصادیق مهم بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی به منظور جهت‌دهی به افکار عمومی است. شبکه فارسی‌زبان اینترنت‌نشال نقش مستقیم و محوری در تشدید نارضایتی‌ها، کنشگری سیاسی، گسترش ویروس تجمعات، امنیت‌زدایی ذهنی افکار عمومی، خرابکاری‌ها، خدشه‌دار نمودن وجهه نظام و مسئولین و سازمان‌های امنیتی و نظامی داشت.

مبانی نظری تحقیق

نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر به‌عنوان یکی از نظریه‌های کلیدی در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، به تبیین علل بروز اعتراضات و ناآرامی‌های اجتماعی می‌پردازد. این نظریه بر این اساس استوار است که احساس محرومیت نسبی در جامعه، به‌ویژه در میان جوانان، می‌تواند منجر به نارضایتی و در نهایت آشوب‌های اجتماعی شود.

مفهوم محرومیت نسبی

محرومیت نسبی به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد احساس می‌کنند که به اهداف و خواسته‌های خود نمی‌رسند، به‌ویژه در مقایسه با دیگران یا با شرایطی که می‌توانسته‌اند داشته باشند. این احساس می‌تواند ناشی از تفاوت بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی باشد. منظور از انتظارات ارزشی کالاها و شرایطی است که مردم خود را مستحق آن می‌دانند و توانایی‌های ارزشی نحوه نگرش افراد نسبت به فرصت‌ها و امکانات و برآوردن نیازهاست (صادقیان، مسعودنیا، نساج و رهبرقاسی، ۱۴۰۰: ۲۰۴). بر اساس نظریه گر، این احساس محرومیت می‌تواند در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بروز کند و نه تنها به دلایل اقتصادی بلکه به دلایل سیاسی و اجتماعی نیز مرتبط است.

تأثیرات بر اعتراضات اجتماعی

نظریه گر با نظریه دیویس که بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی تمرکز دارد، تفاوت دارد. درحالی‌که دیویس معتقد است که احساس محرومیت نسبی زمانی شکل می‌گیرد که یک دوره از پیشرفت اقتصادی با رکود مواجه شود، گر بیان می‌کند که این احساس می‌تواند در هر زمانی و به‌ویژه در شرایطی که افراد واقعیت‌های زندگی خود را با شرایط بالقوه‌ای که می‌توانستند داشته باشند مقایسه می‌کنند، ایجاد شود. تاجیک و خداخواه آذر (۱۳۹۵) در بر اساس نتایج تحقیقی با عنوان رسانه‌های اجتماعی مجازی و عرصه سیاست در ایران، با بررسی موردی انتخابات دهم ریاست جمهوری و کارناوال‌های شهری در تهران بیان داشت در ایران امروز با درهم آمیختگی موضوعات و بحران‌های گوناگون و تسریع آن‌ها توسط فناوری اطلاعات، همه‌امور سیاسی و فضای

عمومی ایران به شدت سیاسی و از سویی دیگر این فضا مجازی شده است. گراسو و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان محرومیت نسبی و نابرابری در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به دنبال پاسخگویی به این پرسش بوده‌اند که آیا محرومیت نسبی تأثیر متفاوتی در انواع فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دارد؟ نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان می‌دهد که شرایط اقتصادی منفی تمایل به مشارکت غیرمعارف را ترویج می‌دهد. علاوه بر این اثرات احساس محرومیت برای فعالیت فعالانه اعتراض‌آمیز در شرایط اقتصادی منفی تقویت شده است.

عوامل مؤثر در ایران

در ایران، عواملی مانند محرومیت اقتصادی در مقایسه با سایر کشورها و افزایش انتظارات اجتماعی می‌توانند به شکل‌گیری این احساس محرومیت نسبی کمک کنند. به‌ویژه جوانان که به دنبال فرصت‌های بهتر و رفاه بیشتر هستند، ممکن است به شدت تحت تأثیر این احساس قرار گیرند و در نتیجه به اعتراضات اجتماعی بپردازند.

در نهایت، نظریه محرومیت نسبی گر به‌عنوان یک ابزار تحلیلی می‌تواند به درک بهتر از علل و زمینه‌های اعتراضات اجتماعی کمک کند و نشان دهد که چگونه احساسات فردی و اجتماعی می‌توانند به عمل جمعی منجر شوند (آزغ، اللهیاری و کجباف، ۱۳۹۹: ۱۱۲).

ژای (۲۰۱۶: ۵۳۳) در پژوهشی با عنوان «رشد اقتصادی قابل توجه، اما تا چه حد؟ تأثیر مدرنیزاسیون بر رضایت سیاسی شهروندان چینی، بیان کرده است که توسعه اقتصادی سریع چین ممکن است اثرات سیاسی چشمگیری داشته باشد. میزان رضایت سیاسی شهروندان چینی از وضعیت کنونی آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی بر توسعه سیاسی آینده چین تأثیر می‌گذارد. یافته‌های تجربی این پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر شهروندان چینی پس از بهبود رفاه خود رضایت بیشتری از آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی خود نشان می‌دهند.

تقوی رضانی (۱۳۹۹: ۲۹-۲۶) بر اساس نتایج تحقیقی با عنوان بازنمایی اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ در رسانه بی‌بی‌سی فارسی اظهار داشت مهم‌ترین محورهای جریان‌ساز این رسانه در رویداد ۱۳۹۶ عبارت بودند از القای ناکارآمدی دولت، القای نقض حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در ایران و القای بی‌طرفی بی‌بی‌سی فارسی.

در تحقیقی نقش فضای مجازی در تحقق اغتشاشات سال ۱۴۰۱ بررسی و نتایج نشان داد که نقش و تأثیر رسانه‌های اجتماعی برای تصاحب افکار عمومی و رقم‌زدن مانورهای جمعیتی و خیابانی و

آشوب‌های به وقوع پیوسته به‌ویژه در تهران بی‌بدیل بود. انعکاس و انتشار با شیوه ای خام همراه با اغراق و بزرگنمایی، زمینه ساز فراهم شدن خوراک خبری برای محافل و رسانه های ماجراجو و معاند با نظام و کشور شد که تبعات سنگین و بعضاً جبران ناپذیری به دنبال داشت (پور قهرمانی و نوری زاده خامنه، ۱۴۰۲: ۱).

نتایج تحقیقی با هدف بررسی رابطه کاربری پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین استفاده از پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات در میان جوانان بود (عبدالرحمانی، حسین‌پور و جباری، ۱۴۰۰: ۳۹۵).

دنیسوا (۲۰۱۷: ۹۹۰) در مقاله «دموکراسی، اعتراض و حوزه عمومی در روسیه پس از اعتراضات ضد دولتی: ۲۰۱۲-۲۰۱۱»، به دنبال تعیین سهم رسانه‌های اجتماعی در اعتراضات ضد دولتی روسیه، بین سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ بوده است. محقق برای دستیابی به این هدف، محتوای گروهی از صفحه‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک و توئیتر را با استفاده از رویکرد توصیفی و تحلیل محتوایی ارزیابی کرده است که معترضان از آن استفاده می‌کردند. این مطالعه نتایج متعددی را به دست آورده است که مهم‌ترین آنها وجود تأثیر قوی و درخور توجه رسانه‌های اجتماعی بر اعتراضات روسیه (۸۱ درصد) است، به‌طوری که بسیج اعتراضات تا حد زیادی به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی ممکن شده است. به نظر محقق با وجود این نقش حیاتی، رسانه‌های مجازی توانایی ایجاد تفرقه بین معترضان را نیز دارند و بنابراین حضور معترضان در فضای مجازی برای دولت، مفیدتر از فضای واقعی است. مقاله همچنین نشان می‌دهد سانسور رسانه‌های اجتماعی و محدودیت‌های رسمی و غیررسمی برای انتقاد از دولت، سیاست‌های اعتراضی را تشدید می‌کند.

فاروق (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان بهار عربی و تئوری محرومیت نسبی با استفاده از روش توصیفی و اسنادی به عوامل ایدئولوژی‌ها و مطالبات جامعه مدنی که منجر به وقوع خیزش‌های عربی در کشورهای تونس لبنان یمن مصر و سوریه شده است پرداخت. در این پژوهش به نقش جوانان تحصیل کرده و شبکه‌های اجتماعی در این خیزش‌ها اشاره و از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر استفاده شده است. نتایج نشان داد که اگر چه عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ... که منجر به وقوع خیزش‌های عربی شده اند به لحاظ ماهیت یکسان و مشابه اند لیکن در کشورهای مختلف با توجه به شرایط خاص سیاسی اجتماعی اقتصادی و ... از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده است.

بنا بر تأکید رهبر معظم انقلاب مبنی بر وجود برنامه جامع دشمن، شناسایی راهکارها برای مقابله با اقدامات دشمن ضروری است. چنان که معظم له فرمودند: در قضایای اغتشاشات ۱۴۰۱، نقشه دشمن نقشه جامعی بود، اما محاسبه دشمن محاسبه غلطی بود؛ این مهم است. نقشه دشمن نقص نداشت، منتها محاسبه دشمن برای پیاده کردن این نقشه محاسبه غلطی بود. این که می‌گوییم نقشه دشمن نقشه جامعی بود، یعنی همه

عوامل مسلطی را که یک قدرت می‌تواند برای اخلال و تخریب در یک کشوری به کار ببرد، به کار انداخت، همه این عوامل را ردیف کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات ۱۴۰۱/۱۰/۲۲).

این پژوهش با هدف درک ماهیت و علل رفتار و افکار معترضین با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر و نیز نقش و نحوه بازنمایی اخبار و تحولات توسط رسانه‌هایی فارسی‌زبان (با تأکید بر شبکه فارسی‌زبان ایران اینترنت‌نشال) طراحی و اجرا شد.

سؤال اصلی پژوهش

نحوه بازنمایی اخبار توسط رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی (با تأکید بر شبکه فارسی‌زبان ایران اینترنت‌نشال) از منظر روان‌شناسی اجتماعی چه تأثیری بر ماهیت رفتار و افکار معترضین و ایجاد ناآرامی‌ها داشته است؟

بیان مسئله

ناآرامی، اعتراض و اغتشاشات و نحوه کنترل این پدیده‌ها، از جمله مسائلی است که برای همه کشورها از اهمیت خاصی برخوردار بوده و همیشه از جانب دولت‌ها تلاش‌هایی برای تقویت سیستم‌های امنیتی خود به‌عنوان منابع کنترل اجتماعی پدیده ناآرامی، اعتراض و اغتشاشات صورت می‌پذیرد. این موضوع در ایران نیز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. وقوع حوادث مختلف از جمله ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ اهمیت این موضوع را دو چندان نموده و سیستم امنیتی و سیاسی کشور را به چالش کشید.

درک عمومی از ماهیت پدیده ناآرامی، اعتراض و اغتشاش در نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد صرف‌نظر از بدرفتاری‌های گروه‌ها و جناح‌های سیاسی خاص و اشتباهات برخی خواص، ماهیت پدیده ناآرامی‌های شهری و رفتارهای معترضان، حداقل از سوی مردم و به‌ویژه جوانان، فاقد سوگیری‌های براندازانه است و بیشتر مبین نوعی اعتراض و ابراز وجود برای دستیابی به اهداف سیاسی، صنفی یا معیشتی - اجتماعی، متناسب با تلقی احساس ناکامی در آن‌هاست (شریفی، ۱۳۸۸: ۷). اگرچه سایر عوامل، نظیر رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی و شبکه‌های اجتماعی، در این میان دخالت کرده و بر پیچیدگی صحنه و دشواری کنترل اعتراضات می‌افزایند. رسانه‌های مخالف نظام در بروز ناآرامی‌های کشور نقش منفی و مؤثر ایفا می‌کنند. رسانه‌های مذکور در پی بروز ناآرامی‌ها به شدت بر تلاش‌های مخرب خود در حمایت و تحریک معترضان برای توسعه ناآرامی‌ها و به خشونت کشاندن آن می‌افزایند

و طی مدت دوام اعتراضات به طور فعال آن را پوشش خبری می‌دهند و فراتر از اطلاع‌رسانی، با انعکاس اخبار دروغین، جعلی و برجسته‌سازی در تحریک و هدایت معترضان به سمت توسعه ناآرامی‌ها و تضعیف روحیه نیروهای کنترل ایفای نقش می‌کنند؛ لذا مدیریت مؤثر اعتراضات منوط به مدیریت و کنترل تأثیر این رسانه‌ها و رسانه‌های داخلی حامی معترضین است.

از سوی دیگر با وجود دشمنی‌های دیرینه و مستمر آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران (و به تبع آنان همراهی فعال برخی دولت‌ها به‌ویژه انگلیس و فرانسه) به نظر می‌رسد بیشترین جهت‌گیری آن‌ها متوجه تحریک و فعال‌سازی کنش‌های اعتراض‌آمیز جمعی علیه نظام است و بدین‌وسیله راهبرد تحول از درون را پیگیری می‌کنند؛ لذا به نظر می‌رسد دستگاه‌های امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران همواره در معرض شرایط مشابه ناآرامی‌های اخیر قرار دارند و از آن‌جا که برخورد با این‌گونه جمعیت‌ها در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران امری بسیار پیچیده‌تر و مستلزم صرف حداقل هزینه‌های سیاسی - اجتماعی، اتخاذ مناسب‌ترین شیوه‌ها و در عین حال رعایت اصول ارزشی و اخلاقی توسط عوامل عملیاتی است، توفیق در این امر نیازمند شناخت و آگاهی دقیق‌تر از ماهیت رفتاری معترضان و ویژگی‌های روان‌شناختی (و جامعه‌شناختی) آنان به‌عنوان جمعیت هدف در کنترل میدانی ناآرامی‌هاست. به طور کلی روان‌شناسی اعتراضات به مطالعه و تحلیل رفتارها، احساسات و انگیزه‌های افرادی می‌پردازد که به‌رغم خطرات و هزینه‌های شخصی، به اشکال مختلف دست به اعتراضات سیاسی و اجتماعی می‌زنند.

ابعاد روان‌شناختی تأثیرگذار بر جمعیت معترضین

یکی از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، رفتارهای جمعی به‌خصوص در حوزه اعتراضی بوده که هزینه‌های سنگین اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و... را نیز به دنبال داشته و همیشه می‌بایست بر پیداکردن روش‌های پیشگیری و کنترل آنها تأکید مضاعف نمود. با وجود همه تأکیدات تاکنون در جهان هیچ‌گونه الگویی که بتواند رفتار اعتراضی جمعی را کنترل و از شکل‌گیری آن‌ها جلوگیری نماید در دسترس نمی‌باشد.

از مهم‌ترین دلایل مهم این نقص، از یک سو تفاوت‌های ذاتی جوامع با یکدیگر و از دیگر سو، تغییر و تحولات داخلی جوامع طی دوره‌های مختلف است؛ به دلیل تفاوت‌های بوم‌شناختی، هر جامعه‌ای نیاز به مدل‌های مطابق با نیازها و معیارهای فرهنگی خود دارد. به نظر می‌رسد برای دستیابی به مدل، الگو یا چارچوبی برای کنترل پدیده رفتار جمعی (اعتراض‌آمیز) در اعتراضات، ضروری است با مراجعه و استفاده وافر و نقادانه از نظریه‌های مطرح و رو به تزاید در این زمینه، برای رفع نیازهای بومی در کنترل رفتار جمعی اعتراض‌آمیز، متناسب با شرایط و ویژگی‌های خاص هر جامعه و هر حادثه، جهت‌گیری ویژه‌ای اتخاذ کرد.

نظریه‌هایی که می‌توان آنها را در ردیف نظریه‌های جامعه‌شناختی قرارداد و در تشریح علل و ماهیت رفتار جمعی اعتراض‌آمیز مطرح هستند عبارتند از مدل ارزشی جانسون (با تأکید بر عدم هماهنگی بین دو نظام ارزشی و تقسیم کار در پدید آیی بی‌ثباتی اجتماعی)، مدل رستو (با انتصاب ذاتی بودن ناآرامی‌ها برای جوامع در حال گذر)، دیدگاه هانتیگتون (که معتقد به نقش توسعه ناقص است)، نظریه انتظارات فزاینده دیویس و نظریه نزدیک به آن یعنی نظریه اسملسر به ویژه با تأکید بر شرایط نامساعد ساختاری.

همان‌طور که از نام پدیده رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز و ناآرامی‌ها برمی‌آید حوزه مطالعه این پدیده از یک سو فرد و رفتار او در جمع را در برمی‌گیرد و از سوی دیگر ویژگی‌های جماعت و نقش آن بر رفتار افراد را مورد توجه قرار می‌دهد.

به اعتقاد رابرت گر، ناکامی افراد در دستیابی به اهدافشان و نوع درک آن‌ها از محرومیت نسبی منجر به رفتار پرخاشگرانه و خشونت در آن‌ها می‌شود و عواملی که منجر به پدیداری خشونت مدنی می‌شوند عبارتند از: توجه روانی سیاسی شدن نارضایتی، تجربه موفقیت‌آمیز گروه‌های قبلی و نقش سمبل‌ها و نشانه‌های خشونت برانگیز. وی عوامل دیگری چون نقش اطمینان‌بخش و امنیت‌آفرین جماعت و گروه را در گرایش افراد به خشونت مورد توجه قرار داد. به نظر وی این باور که برخی از ترتیبات اجتماعی یا نهادهای سیاسی از خشونت مصون هستند. با قادرند تمامی خواسته‌های انسان‌ها را برآورده سازند تنها بخشی از حقیقت است و این فرض را که نارضایتی به طور عمده خاستگاهی مادی است و لذا بر آوردن خواسته‌های مادی علاج آن است، نمی‌پذیرد و معتقد است هیچ یک از الگوهای موجود قادر به برآوردن تمامی آرزوهای انسانی و حل تمام نارضایتی‌های انسان نمی‌باشند.

وی به‌کارگیری مدل‌های کنترل قهرآمیز را به‌عنوان راه حل کنترل نارضایتی‌ها رد می‌کند و معتقد است هیچ یک از انواع الگوهای کنترل قهرآمیز به جز نسل‌کشی و قتل‌عام، هر قدر هم که شدید و پایدار باشند، نمی‌توانند مانع از مشارکت انسان‌ها در خشونت شوند. به اعتقاد او خشونت باعث بروز خشونت متقابل کسانی می‌شود که خشونت علیه آن‌ها به کار رفته است و هر قدر که استفاده از زور شدیدتر و گسترده‌تر باشد، احتمال کمتری وجود دارد که استفاده‌کنندگان از آنها اعم از رژیم‌ها و مخالفانشان به اهداف خود جز از طریق پیروزی تمام عیار دست یابند. به نظر وی اجبار به‌تنهایی - اگر نگوییم در کوتاه‌مدت حداقل در بلندمدت ناکارآمد است؛ زیرا در کل ممکن است به جای مطیع ساختن افراد باعث افزایش مقاومت آن‌ها شود.

تد رابرت گر معتقد است انسان‌ها علاوه بر رفاه مادی خواستار شرایط دیگری نیز در زندگی هستند که امنیت، منزلت، حس تعلق به جمع و حق اداره امور خود، از جمله آنهاست. به علاوه، توسل انسان‌ها به خشونت سیاسی هر چند غیرعقلایی است، اما هیچ و گاه بدون دلیل به وقوع نمی‌پیوندد. به نظر او ناآگاهی تقریباً همیشه یکی از علت‌های آن بررسی ابعاد روان‌شناختی خشونت‌گرایی جمعیت معترض و - است؛

راهبردهای تد رابرت گر جهت کنترل خشونت‌ها عبارتند از: به حداقل رساندن تغییر در موقعیت‌های ارزشی گروه یا به بیان دیگر؛ حفظ وضع موجود و توزیع کالاهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

اگر نخبگان دلبسته پیشرفت باشند یا ناخواسته در آن گرفتار شده باشند، منافع ناشی از آن پیشرفت باید به شکل متوازن توزیع شود. بنا بر نظر وی اگر مردمی که از امتیازات کمتری برخوردارند، ابزاری برای کسب اهداف خود داشته باشند اگر بر منابع و سرشت خود میزانی از کنترل داشته باشند اگر بتوانند مهارت‌های لازم برای پیشرفت خود را به دست آورند و اگر با موانع تبعیض‌آمیزی در مقابل پیشرفت خود مواجه نشوند می‌توان آنها را حداقل به طور موقت خرسند ساخت. البته این فرصت‌ها باید حداقل نتایجی نیز به همراه داشته باشند. اگر چنین نباشد، امیدهای نقش‌برآب شده بیش از امیدهایی که هرگز دنبال نشده‌اند. تأثیرات ویرانگری بر ثبات دارند.

از جمله دیدگاه‌های نزدیک به نظریه تد رابرت گر می‌توان به فرضیه ناکامی - پرخاشگری برکویتز اشاره کرد. اعتراض و پرخاشگری به عنوان واکنش در برابر ناکامی تا یک نقطه برشمار ناکامی‌ها رو به فزونی می‌نهند، اما پس از آن رو به کاهش می‌گذارد. همان‌طور که برکویتز با اشاره به انتظارات نهفته در تحلیل فرضیه سوم خود توضیح داده، وقتی برشمار ناکامی‌ها افزوده می‌شود، مردم وقوع آنها را انتظار دارند. به همین سبب، ناکامی کمتر منفی تلقی شده و در نتیجه، کمتر به پرخاشگری منجر می‌شود.

نظریه عکس‌العمل متقابل جک برم نیز در قرابتی با نظریه‌های تد رابرت گر و برکویتز بر این امر تأکید می‌کند که احساس کنترل و تهدیدشدن آزادی فرد، منجر به اقدامات خشن برای دستیابی به احساس تسلط و آزادی شخصی می‌شود.

یکی دیگر از شرایط موقعیتی که رفتارهای اعتراض‌آمیز را تسهیل می‌کند، حضور دیگران (تماشاچیان حاضر در صحنه) یا به عبارتی توجه و حمایت آنهاست. همان‌طور که تایلور و همکارانش نشان دادند، حضور جمع و دیگران را ناظر و تماشاچی رفتار خود دیدن، کنش‌گران را برای ابراز کنش‌های جمعی شدیدتر برمی‌انگیزد. چنان‌چه این کنش‌ها به تحقق هدفی منجر شود که گروه معترض در پی کسب آن است، از آن‌پس استمرار می‌یابند؛ اما چنان‌چه با مدافعی جدیدی مواجه شوند یا با تشدید رفتارهای جمعی نتوانند بر آن موانع چیره شوند، چنان‌کنش‌هایی را استمرار نمی‌بخشند.

مردم در ارتباط با شورش‌ها و رفتارهای اعتراض‌آمیز به سه دسته ذیل تقسیم می‌شوند:

۱- اقلیتی حامی معترضان و شورشگران؛

۲- اکثریت بی طرف (حداقل در عمل)؛

۳- اقلیتی حامی دولت یا به عبارتی مخالف معترضان.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی بود که ضمن پرداختن به رابطه متغیرها به تحلیل آن‌ها پرداخته شد. از آنجائی که تحقیق حاضر پسارویدادی بوده است روش مناسب با موضوع مطالعه، تحلیلی اسنادی بود. در این مطالعه به ماهیت روان‌شناسی اجتماعی اعتراضات سال ۱۴۰۱ و نقش رسانه‌های فارسی‌زبان (با تأکید بر شبکه ایران اینترنشنال) در ایجاد ناآرامی‌ها در ایران پرداخته شده است.

بررسی فعالیت رسانه فارسی‌زبان خارجی ایران اینترنشنال در اعتراضات ۱۴۰۱

ارزیابی عملکرد ایران اینترنشنال از ۲۷ شهریور تا پایان آبان ماه نشان دهنده وضعیت مواجهه و تاکتیک‌های آن در دامن زدن، تدارک دیدن نظری و عملی و ارائه پیشنهادات علمی ترویج خشونت با ادعای مقابله به مثل و دفاع مشروع و توجیه حمله به پلیس، کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی، حمله، آتش زدن و واژگون کردن خودروهای پلیس در اغتشاشات بوده است. در این مدت، این شبکه از تاکتیک‌های اجرایی-عملیاتی هم چون استقبال از حمله به ماشین‌های نیروی انتظامی، تغییر روال عادی برنامه‌های تلویزیونی خود و تمرکز بر اغتشاشات، انتشار و تبلیغ فراخوان‌های متعدد برای تجمع و اعتراض، انتشار خبرهای دروغین نظیر این که پلیس به سر مهسا امینی ضربه زده است، خبرسازی و انتشار ادعای استعفای دانشگاهیان ایران، آموزش غیرمستقیم شعارنویسی و طرح اعتصابات، تأکید بر شعار دادن در خیابان‌ها و تخریب تابلوهای شهری، ترویج و آموزش قانون شکنی، تأکید و تکرار انتشار محتوا برای تهییج بر پیوستن دانش‌آموزان به معترضان، تبلیغ جریان‌های مجعول به عنوان جنبش اعتراض دانش‌آموزان دختر، طرح سوژه دروغین بازداشت‌ها استفاده نمود.

مصادیق پرتکرار در برنامه‌های شبکه

شبکه ماهواره‌ای ایران اینترنت‌شنال، وجه غالب محتواهایش بر تکنیک تکرار و پیگیری قرار دارد. به طور مثال، در یک فاصله ۳۰ روزه حداقل روزی ۱۵ تیزر پخش شده است، یعنی ۴۵۰ تیزر تحریک‌کننده با شعارهای ضد نظام جمهوری اسلامی ایران، ترویج بی‌نظمی و خشونت در این شبکه در طول یک ماه پخش شده است. این فقط بخش بسیار ناچیزی از محتواهای ناقص بی‌طرفی رسانه است. بر اساس بررسی انجام شده به‌منظور تطابق محتوای پخش شده در ایران اینترنت‌شنال در بازه زمانی ۳۰ روزه 24 شهریور تا ۲۴ مهر، مصادیق پرتکرار که نقض کدهای پخش آفکام نیز است، در دسته‌بندی زیر قابل ارائه است.

۱. برنامه‌هایی که نمایشگر خشونت، پیامدهای آن و توصیفات خشونت، اعم از کلامی یا فیزیکی است،
۲. برای کودکان؛ برنامه‌های حاوی مطالبی که رفتار خشونت‌آمیز، خطرناک یا شدیداً ضداجتماعی را مورد تأیید قرار داده یا ترویج می‌کند و دیگران را به کپی کردن چنین رفتاری تشویق می‌کند.
۳. مطالبی که باعث تشویق یا تحریک ارتکاب جرم یا منجر به بی‌نظمی می‌شود یا سخنان نفرت‌انگیز که احتمالاً فعالیت مجرمانه را تشویق می‌کند یا منجر به اختلال می‌شود؛
۴. اخبار و برنامه‌هایی که الزامات بی‌طرفی در آن‌ها رعایت نشده است.

توجیه سازی‌ها برای ترویج خشونت و اعتراض

۱. اغتشاش نیست، مردم نمادهای حاکمیت را به آتش می‌کشند؛
۲. ورود آمبولانس به پاسگاه پلیس جهت انتقال اغتشاشگران و همین امر به‌عنوان مجوز آتش‌زدن آمبولانس‌ها مطرح می‌شود؛
۳. آموزش سبک حضور در اغتشاشات؛
۴. توصیه‌های امنیتی به اغتشاشگران؛
۵. درخواست از جامعه جهانی برای حمایت از اغتشاشگران، انتشار اخبار نادرست بدون ارائه سند؛
۶. دعوت به اعتصاب، حمایت از اغتشاشگران؛
۷. ابراز نظر شخصی، دعوت به اعتصاب، حمایت از اغتشاشگران

نکته قابل تأمل کثرت ادبیات تهییجی، تبلیغی و آموزشی برای ایجاد اغتشاش بود که در نوع خود بی‌نظیر و خلاف همه پروتکل‌های رسانه‌ای در دنیاست که البته در این پژوهش به آن پرداخته نشد. مطابق این پژوهش شبکه سعودی ایران اینترنشنال با ۱۱۴۲۶ مطلب، بیشترین میزان تولید را داشته و صدای آمریکا و رادیو فردا رتبه بعدی را به خود اختصاص دادند. از لحاظ میزان بازنشر تولیدات در فضای مجازی، ایران اینترنشنال با ۲۰ درصد، من و تو با ۱۷ درصد و بی‌بی‌سی با ۱۴ درصد بیشترین سهم را در توزیع اخبار اغتشاشات در فضای مجازی داشته‌اند. یعنی حدود ۵۱ درصد اخبار بازنشر شده اغتشاشات در فضای مجازی مربوط به این ۳ رسانه بوده است (نور نیوز، ۱۴۰۱).

یافته ها

اعتراضات و آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ در کشور از مهم‌ترین جلوه‌های تاثیرگذاری رسانه‌ها و فضای مجازی بر عرصه سیاست کشور بود که از اعتراض به فوت مهسا امینی به سرعت تبدیل به یک حرکت اعتراضی گسترده در سطح کشور گردید و شعارها به شعارهایی با ماهیت سیاسی تغییر پیدا کرد. سرعت گسترش این اعتراضات، نوع شعارها و شهرستان‌هایی که در آن این اعتراضات رخ داد برای بسیاری تعجب‌انگیز بود چرا که تا قبل از آن حداقل نشانه‌هایی از بروز یک اعتراض نسبتاً گسترده توسط دستگاه‌های سیاسی و امنیتی قابل برآورد نبود. این اعتراضات به عنوان یک پدیده اجتماعی و روانشناختی، که به طور گسترده‌ای در میان جوانان و به ویژه زنان مشاهده شد، نشان‌دهنده نارضایتی عمیق از شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور بود. این ناآرامی‌ها ریشه در احساس عدم امنیت، تبعیض و نابرابری اجتماعی داشت. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، احساس عدم امنیت و تبعیض در میان اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان و زنان، به افزایش خشم و نارضایتی منجر شد.

رسانه‌های بیگانه فارسی‌زبان نیز در شکل‌دهی و ادامه‌دار بودن اعتراضات تأثیرگذار بودند. این رسانه‌ها با پوشش اخبار و تحلیل‌های خود، به شکل‌گیری افکار عمومی و بسیج معترضان کمک کردند. به‌ویژه، شبکه‌های فارسی‌زبان مثل ایران اینترنشنال به‌عنوان ابزاری برای ارتباط و سازماندهی معترضان عمل کردند و از طرق زیر به گسترش پیام‌های اعتراضی کمک نمودند:

۱. ترویج روایت‌های معترضان

رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی تلاش کردند تا خود را به‌عنوان تریبون معترضان معرفی کنند و با پوشش خبری گسترده، صدای آن‌ها را به گوش جهانیان برسانند. این رسانه‌ها به‌ویژه در دامن‌زدن به ناآرامی‌ها و بزرگ‌نمایی اعتراضات نقش داشتند.

۲. نشر اخبار و اطلاعات

رسانه‌های مختلف به انتشار اخبار و اطلاعات مرتبط با اعتراضات پرداختند که برخی از آن‌ها به نشر اکاذیب و شایعات منجر شد. این امر باعث ایجاد تنش و تشویش اذهان عمومی گردید.

۳. دیپلماسی گفتمانی

رسانه‌های خارجی به‌ویژه از طریق گفتمان‌سازی، سعی کردند تا تصویر منفی از نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه دهند و اعتراضات را به‌عنوان نمادی از نقض حقوق بشر در ایران معرفی کنند. این رویکرد به جهانی‌سازی اعتراضات و ایجاد امید در معترضان برای موفقیت آن‌ها کمک کرد.

۴. تحلیل و بررسی وضعیت داخلی

برخی رسانه‌ها به تحلیل و بررسی ابعاد اجتماعی و سیاسی اعتراضات پرداختند و با مصاحبه با کارشناسان، سعی کردند تا به درک بهتری از دلایل و پیامدهای این ناآرامی‌ها برسند. این نوع پوشش خبری می‌توانست به تقویت نارضایتی‌ها و تحریک بیشتر معترضان کمک کند.

۵. نقش سرویس‌های اطلاعاتی

برخی از تحلیل‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های خارجی به‌عنوان ابزاری در دست سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای بیگانه عمل کرده و به ایجاد ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی در ایران کمک کردند. این اعتراضات به تشدید مشکلات روانی مانند اضطراب و افسردگی در میان مردم منجر شد. این وضعیت به‌ویژه در میان جوانان و زنان بیشتر مشهود بود و نشان‌دهنده تأثیرات عمیق اجتماعی و روان‌شناختی این اعتراضات است.

مهم‌ترین علل روان‌شناختی شکل‌گیری اعتراضات عبارت بودند از:

۱. احساس عدم امنیت: احساس عدم امنیت روانی در جامعه، به‌ویژه در شرایط اقتصادی و اجتماعی ناپایدار، یکی از عوامل اصلی بروز ناآرامی‌هاست. این احساس، ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و عدم دسترسی به امکانات و منابع است.

۲. تبعیض و نابرابری: نارضایتی از تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی، به‌ویژه در میان جوانان و زنان، به‌عنوان یکی از محرک‌های اصلی اعتراضات شناخته می‌شود. احساس نابرابری و تبعیض در دسترسی به فرصت‌ها و منابع، به خشم عمومی دامن می‌زند.

۳. فقدان رهبری و سازماندهی: اعتراضات ۱۴۰۱ فاقد رهبری مشخص و ساختار سازمانی بودند، که این امر به شکل‌گیری یک اعتراض خودجوش و پراکنده منجر شد. این ویژگی، به معترضان این امکان را داد که به‌سرعت در سراسر کشور گسترش یابند و به اعتراضات سراسری تبدیل شوند.

در مجموع نتایج نشان داد اعتراضات ۱۴۰۱ در ایران نه تنها یک واکنش به شرایط موجود، بلکه یک حرکت اجتماعی پیچیده بوده که نیاز به تحلیل‌های عمیق‌تری در زمینه روانشناسی اجتماعی و تأثیرات رسانه‌ها دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، احساس عدم امنیت روانی و اقتصادی در میان مردم، نابرابری و تبعیض اجتماعی و نگاه از بالا به پایین در روابط حکومت و مردم از جمله عوامل اصلی نارضایتی و خشم عمومی هستند.

وقتی امنیت روانی و اقتصادی در جامعه برقرار نباشد و برخی از مردم به راحتی از مواهب زندگی برخوردار شوند اما برخی دیگر محروم باشند، این احساس تبعیض و نابرابری منجر به بروز ناآرامی‌ها می‌شود.

وقتی برنامه ریزی‌های مردم به هم می‌ریزد و تورم‌های سنگین مکرر اتفاق می‌افتد، نتیجه آن شکل‌گیری نابرابری، شکاف طبقاتی، بی‌قانونی و عدم امنیت اقتصادی در جامعه است که امنیت روانی هر فرد را به هم می‌زند.

در این میان نیز رسانه‌ها و فضای مجازی نقش مهمی در شکل‌گیری و گسترش اعتراضات ایفا می‌نمایند. اگرچه برخی معتقدند که این اعتراضات عمدتاً حاصل جوسازی فضای مجازی و اثرگذاری رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی بوده است، اما واقعیت این است که رسانه‌ها بیشتر نقش تقویت‌کننده و انعکاس‌دهنده نارضایتی‌های موجود در جامعه را داشتند.

رسانه‌های خارجی با پوشش گسترده اعتراضات و انتشار اخبار و تصاویر آن در سطح بین‌المللی، ضمن افزایش حساسیت جهانی نسبت به وضعیت ایران، به تقویت روحیه معترضان نیز کمک کردند. همچنین فضای مجازی به عنوان بستری برای سازماندهی و هماهنگی اعتراضات عمل کرد و موجب گسترش آنها به سراسر کشور شد.

در مجموع، اعتراضات سال ۱۴۰۱ ریشه در نارضایتی‌های عمیق روان‌شناختی و اجتماعی مردم داشت که در طول سال‌های متمادی شکل گرفته بود. رسانه‌ها نیز با انعکاس این نارضایتی‌ها و تقویت روحیه معترضان، به گسترش و تداوم اعتراضات کمک کردند. اما ریشه اصلی این اعتراضات را باید در عوامل ساختاری و سیستمی جامعه جستجو کرد که منجر به شکل‌گیری احساس عدم امنیت، نابرابری و بی‌اعتمادی در میان مردم شد.

پیشنهادات

بنا بر یافته های تحقیق، جهت جلوگیری از تکرار و شکل گیری اعتراضات و ناآرامی های مشابه سال ۱۴۰۱ در ایران، پیشنهادات زیر قابل توصیه می باشد:

الف. آموزش و فرهنگ سازی

۱. آموزش مهارت های زندگی و حل مسالمت آمیز اختلافات به شهروندان در قالب برنامه های آموزشی و فرهنگی،
۲. ترویج فرهنگ گفتگو و تعامل سازنده میان گروه های مختلف اجتماعی از طریق رسانه ها و نهادهای فرهنگی،
۳. آموزش مدیریت هیجانات و کنترل خشم به شهروندان به ویژه در مواقع بحرانی و تنش زا.

ب - سیاست گذاری و برنامه ریزی

۱. سیاست گذاری و برنامه ریزی در جهت رفع نابرابری ها و تبعیض های اجتماعی و اقتصادی،
 ۲. توجه به مطالبات به حق مردم و تلاش برای پاسخ گویی به آن ها از طریق سیاست های کارآمد،
 ۳. ایجاد فرصت های برابر برای مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم گیری و حل مسائل اجتماعی.
- ### ج - توجه به نقش سازنده رسانه ها
۱. افزایش سواد رسانه ای کاربران در داخل کشور: برای جلوگیری از باور زود هنگام محتواها، به ویژه رسانه های غیر رسمی،
 ۲. رسانه ها باید در انتشار اخبار و گزارش ها دقت بیشتری داشته باشند و از انتشار شایعات و اخبار کذب پرهیز کنند،
 ۳. رسانه ها باید بر اساس اصول حرفه ای و اخلاقی عمل کنند و از تحریک احساسات مردم و ایجاد هیجان پرهیز نمایند.
 ۴. رسانه ها باید در جهت آرامش بخشی جامعه و کاهش تنش ها گام بردارند و از انتشار اخبار و گزارش هایی که موجب تشدید اختلافات می شود خودداری کنند.
- این رویکردها نیازمند تعهد و همکاری گسترده بین دولت، نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و جامعه مدنی هستند تا از طریق گفتگو و همکاری مؤثر، راه حل های پایدار و اساسی برای جلوگیری از تکرار حوادث مشابه در آینده ایجاد شود.

منابع

- آزغ، محمد، اللهیاری، فریدون. و کجباف، علی اکبر. (۱۳۹۹). تبیین جامعه شناختی علل پیوستن طبقات اجتماعی به شورش بابک خرم‌دین برضد عباسیان (با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گر). مجله تاریخ و تمدن اسلامی. سال ۱۶ شماره ۳۱: ۱۴۰-۱۰۹.
- اسملسر، نیل. (۱۳۸۰). تئوری رفتار جمعی، ترجمه رضا دژاکام، مؤسسه یافته‌های نوین با همکاری مؤسسه نشر دواوین، زمستان ۱۳۸۰، تهران.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
- پور قهرمانی، بابک؛ و نوری‌زاده خامنه، زهرا. (۱۴۰۲). نقش فضای مجازی در تحقق اغتشاشات سال ۱۴۰۱. چهارمین کنفرانس ملی پدافند سایبری.
- تاجیک، محمدرضا. و خداخواه آذر، سمیه. (۱۳۹۵). رسانه های اجتماعی مجازی و عرصه سیاست ایران، بررسی موردی انتخابات دهم ریاست جمهوری و کارناوال های شهری ایران. فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۳: ۵۷۲-۵۵۳.
- تقوی رمضانی، فاطمه. (۱۳۹۹). بازنمایی اعتراض های دی ماه ۱۳۹۹ ایران در رسانه بی بی سی فارسی. مدیریت رسانه. ۸(۴۷): ۳۴-۹.
- رسوایی بزرگ برای ۵ رسانه ضد انقلاب / ۱۷ هزار دروغ فقط در ۲۵ روز! (۱۴۰۱). رسانه اینترنتی NOURNEWS. (قابل دریافت از <https://nournews.ir/fa/news/> ۱۱۰۸۶۹/۲۰۲۲/۱۰/۱۰).
- شریفی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد روان شناختی خشونت گرایي جمعیت اغتشاشگر و روش های تأثیرگذاری بر آن. مطالعات بسیج. ۱۲(۴۵): ۳۹-۶.
- صادقیان، هاجر، مسعودنیا، حسین، نساج، حمید. و رهبرقاسی، محمود رضا. (۱۴۰۰). تبیین رابطه احساس محرومیت نسبی با رضایت مندی سیاسی (مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله ساکن شهر اصفهان). دوفصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام. دوره ۹، شماره ۲، پیاپی ۱۹: ۲۲۸-۱۹۶.
- عبدالرحمانی، رضا، حسین‌پور، جعفر، و جباری، میثم. (۱۴۰۰). بررسی رابطه کاربری پیام‌های فضای مجازی با گرایش به اغتشاشات. فصلنامه علمی امنیت ملی. ۱۱(۴۰): ۴۰-۳۹۵.
- Denisova, A. (2017). Democracy, protest and public sphere in Russia after the 2011–2012 anti-government protests: digital media at stake. *Media, Culture & Society*. 39(7): 976–994.
- Farooq, Sadaf.(2017). Arab Spring and the Theory of Relative Deprivation. *Political Science, Sociology*.

- Grasso, M. T., Yoxon, B., Karampampas, S., & Temple, L. (2019). Relative deprivation and inequalities in social and political activism. *Acta Politica*. 54: 398-429.
- Sinha Palit, Parama. (2023). *New Media and Public Diplomacy (Political Communication in India, the United States and China)*. 1st Edition. 194pp.
- Taylor, S. E., Peplau, A. and Sears, D.(2006). *Social Psychology (12th Edition)*. New Jersey: Prentice Hall.
- Zhai, Y. (2016). Remarkable economic growth, but so what? The impacts of modernization on Chinese citizens' political satisfaction. *International Political Science Review*, 37(4): 533-549.

Social psychology of the protests of 2022 and the role of the persian language foreign media (with an emphasis on the Iran International network) in creating unrest in Iran

Abstract

In the contemporary world, protest and social movements have always been an important lever in social, political and cultural transformations. The root of the formation of these protests can be seen in crises that cause deep dissatisfaction among the people with political institutions. With the spread of desperation to improve the existing situation, people show their displeasure with the governments in different ways and thus protest and social movements are created. Meanwhile, the role of the media as a comprehensive and powerful tool in representing the news of protests and their continuation is clearly evident. This research was designed and implemented with the aim of answering the question of what was the nature of the social psychology of the protests of 2022 in Iran and what role did the persian language foreign media (case study of Iran International Network) play in creating unrest. To answer this question, Ted Robert Gure's theory of relative deprivation and descriptive-analytical method were used. The results of this research showed that protests as a social and psychological phenomenon, which was widely observed among young people and especially women, showed a deep dissatisfaction with the social and economic conditions of the country. These unrests were rooted in the feeling of insecurity, discrimination and social inequality. Meanwhile, the activities and provocations of foreign Persian-language media, especially Iran International, played a direct and central role in exacerbating dissatisfactions, political activism, spreading the virus of gatherings, undermining public mental security, sabotage, tarnishing the image of the regime, and security and military organizations. This network represented the protests of 2022 as national, ideological and purposeful protests.

Keywords: Social psychology, protest, unrest, theory of relative deprivation